

### «لویه جرگه اضطراری» یا

نمایش مضحکه آمیز امپریالیست های متجاوز و مرتجعین دست نشانده شان

«امپریالیستهای امریکایی و متحدینشان نه تنها افغانستان را مورد تجاوز قرار داده و این کشور را اشغال کرده اند، بلکه کار سرهم بندی و شکلدهی یک رژیم مزدور دست نشانده جدید را نیز پیش می برند. این پروسه با سرهمبندی جلسه خاندین ملی در بن (آلمان) و تشکیل به اصطلاح اداره موقت شروع شد و پیشبرد پروژه ارتجاعی «لویه جرگه اضطراری» بخاطر تشکیل «اداره انتقالی» را در پی داشته است. هدف از پیشبرد این پروسه توسط امپریالیستهای متجاوز این است که مناسبات عقب مانده ارتجاعی مستعمراتی - نیمه فئودالی را حفظ کنند. آنها میخواهند حضور نظامی شان در افغانستان را طولانی بسازند، سلطه سیاسی شان بر این کشور را حفظ کنند و حاکمیت و قدرت پوشالی باندها و دارودسته های جنایتکار ارتجاعی اسلامی، ضد دموکراتیک و زن ستیز را بقاء و دوام بخشند... تجاوز امپریالیستی بر افغانستان و روی صحنه آمدن مجدد جنگ سالاری جهادی، بحران ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و نظامی دارودسته های اسلامی حاکم را التیام نبخشیده بلکه باعث دوام آن گردیده است؛ بطوریکه امپریالیستها در استقرار حکومت دست نشانده مرکزی و برقراری سلطه آن بر نقاط مختلف کشور با مشکلات عدیده ای مواجه اند. بحران و تشنگ مرتجعین حاکم که ناشی از تضادها و رقابت های امپریالیستی و تناقضات درونی خودشان است، شرایط مساعد ویژه ای را برای پیشبرد مبارزه انقلابی در کشور بوجود آورده که باید فعلا نه و ملاقاه از آن استفاده کرد.» (نقل از قطعه نامه کنفرانس مشترک اجزاب م - ل - م افغانستان و ایران)

«لویه جرگه ای اضطراری» نمایش مسخره توسط قدرت امپریالیستی اشغالگر بود تا نشان دهند در افغانستان که مورد تجاوز قرار گرفته و تحت اشغال در آمده است، مردمان این کشور خود سیستم و ساختار دولتی را می سازند. آنها از طریق روپوشی «سازمان ملل متحد» کمیسیون برگذاری لویه جرگه اضطراری را سازمان دادند و این کمیسیون بیشتر از یک سوم تمام نمایندگان را بصورت انتصابی برگزید، در حالیکه نمایندگان به اصطلاح انتخابی نیز در اکثریت قریب به اتفاق از میان مندوبین باندهای جهادی و بروکراتهای دست نشانده مزدور و پابوس امپریالیست برگزیده شد.

رسانه های خبری کشورهای امپریالیستی مدتها قبل از تدویر لویه جرگه اضطراری، برنامه های آماده سازی ذهنی در چوکات و مسیر معین را به شدت دنبال کردند. مدتها ملاکرات پشت پرده امپریالیستی و ارتجاعی برای شکل دهی «جرگه» و ساختار دولتی پیش برده شد، ولی کار سرهم بندی توسط امپریالیست ها و دست نشانده گانش در این سطح نیز محدود باقی نماند، زلمی خلیل زاد بعنوان مشاور خاص رئیس جمهور امریکا در روزهای قبل از برگزاری «جرگه» آشکارا و بدون هیچ ملاحظه و تشریفات وارد صحنه شد تا آخرین قسمت های شکل دهی حاکمیت پوشالی را تکمیل نمایند. بدینسان تصمیم گیری ها و خطوط اساسی و اصلی کار فعلا توسط امپریالیستهای امریکائی و سایر قدرتهای امپریالیستی معین و مشخص شده بود و «لویه جرگه اضطراری» مسوولیت داشت که به فیصله از قبل بعمل آمده رنگ و نمایش افغانستانی ببخشند، اما علیرغم تمهیدات از قبل به اجرا در آمده، برگزاری «جرگه» یک روز به تعویق افتاد.

امپریالیستها تصمیم گرفته بودند که بازهم حکومت حامد کرزی با تغییرات اندکی در دوره انتقالی نیز دوام یابد تا موازنه قدرت میان امپریالیستها و مزدورانشان در افغانستان بهم نخورد، حتی شاه سابق وادار شد با کنار کشیدن خود از صحنه قدرت، «لویه جرگه اضطراری» را افتتاح نماید، نه تنها بهیشتتر از يك شبانه روز برگزار «جرگه» به تعویق افتاد، بلکه، «نماینده گان» منتخب و منتصب برای مدت يك ساعت در زیر خیمه ای اهدائی امپریالیستهاى آلمانی انتظار کشیدند تا «حضور» تشریف فرما گردند! در طول این يك ساعت به بهانه وقت گذرانی، ضمن سایر سرگرم سازی های خارج از برنامه سرود «ملی» رژیم اسلامی ربانی نیز نواخته شد.

بدین ترتیب «جرگه بزرگی» که قرار بود نمایش از قوت و جدیت دست نشاندگان امپریالیست ها و مقدم بر آن موقوف مستحکم امپریالیستهاى اشغالگر امریکائی و متحدینشان بود، از همان ابتدا به مضحکه تبدیل گردید. مضحکه ادامه یافت و لطق افتتاحیه «بابای ملت» با قطع شدن برق و از کار افتادن میکروفونها و لود سپیکرها در گلو خفه شد و به گوش ها نرسید. «بابای ملت» بر انتخاب از قبل انتصاب شده حامد کرزی صحنه گذاشت و روشن ساخت که در منازعه میان جنگ سالاران جهادی و بروکراتهای غیر جهادی، نقش مسلط جنگ سالاران را قبل از برگزاری جلسه «از بالا» مسجل شده است.

«لویه جرگه اضطراری» بمثابه نمودی از وحدت ملی میان ملیت های مختلف افغانستان توسط امپریالیست های اشغالگر و دست نشاندگانشان مورد تبلیغ قرار گرفته و بنمایش درآمد. اما این نمایش صرفاً نمایشی از تفرقه ملی بود.

تقابل میان شوونیستهای پشتون از يك جانب و مرتجعین ملیت های غیر پشتون از جانب دیگر در مورد بسیاری خود را نشان می داد و پیشرفت کار «جرگه» را اخلال می کرد. در انتخاب اعضای کابینه اختلاف میان شوونیستهای پشتون و مرتجعین تاجیک بصورت ویژه ای شدید بود. این اختلاف در حد معینی به نفع شوونیست های پشتون تمام شد، ولی طرف مقابل فقط پس از مقاومت های معینی و تا حدی مسلحانه حاضر به پذیرش عملی فیصله نهائی شد. اما اختلافات شدید ملیتی بر پست های کابینه در نهایت باعث گردید که «جرگه» قادر به انتخاب مکمل نگردد. «جرگه» توانست صرفاً نصف اعضای کابینه را معین و انتخاب نماید و بدون تکمیل این وظیفه به کار خود خاتمه دهد. اختلاف ملیتی در مورد تعیین اعضای «شورای مشورتی» و تعداد آن بمراتب شدید تر و جدی تر بود، به قسمی که «جرگه» اصلاً قادر نگردید درین مورد به فیصله مشخص برسد و اعضای شورا را تعیین نماید.

«لویه جرگه» اضطراری صحنه نمایشی بود از حضور زنان در صحنه سیاسی افغانستان، تقریباً به تعداد دو صد زن در این «جرگه» شامل بودند و سنتی یکی از زنان شرکت کننده در جرگه کاندیدای مقام ریاست جمهوری گردید تا نمایش تکمیل گردد. اما تعداد زیادی از زنان شرکت کننده در جرگه برقع پوش بودند تا نشان داده شوند که تئوری ارتجاعی «نسبیت فرهنگی» در مورد زنان افغانستان چگونه مصداق می یابد

در جریان کار «جرگه» زنان مخالفت های زیادی علیه جهادی ها از خود نشان دادند. عکس العمل آنها صمیم شد که نیروهای جهادی دست به اختطاف یکی از زنان معترض زده به وی تجاوز و بعد به قتل برساند. تیزاب پاشی بر سر و صورت دختران مکاتب در کابل، حرکت سرکوب گرانه دیگری بود که آگاهانه از سوی مرتجعینی دست نشانده و مزدور و

یقیناً با توافق صریح و یا ضمنی با داران امپریالیست شان که با سالوسی و عوام فریبی برایش تبلیغ کرده بودند، برای ساکت کردن حرکت زنان روی دست گرفته شد.

این زن سبتری لجام گسیخته یکی از نمودهای اسلامیزم مسلط بر «لویه جرگه اضطراری» بود. «سپاه» و «محسنی» بمثابة دو چهره سنی و شیعه این اسلامیزم خود را نشان دادند تا همه اعضای «جرگه» را برای «اسلام عزیز» شان به پا استاده نمایند و هویت اسلامی «اداره انتقالی» به اتفاق آرا به تصویب برسازند. به این ترتیب «اداره انتقالی اسلامی افغانستان» بمثابة يك حکومت ارتجاعی، ضد ملی، ضد دموکراتیک و ضد توده ای هویت داده شد.

یکی از وجوهات مشخصه این «اداره انتقالی» تشنت و تفرقه شدید میان باند ها و دارودسته های مختلف جهادی و اسلامبست به این معنی هویت اسلامی دادن به این اداره بمفهوم رسمیت بخشیدن به موجودیت و بقای دارو دسته های ارتجاعی اسلامی است که بشدت با هم خصومت می ورزند و تاریخ هست و بود شان مملو از درگیری های خونین و چور و چپاول ددمشانه علیه همدیگر و علیه توده ها است. بطور مشخص «لویه جرگه اضطراری» نه تنها تضاد و تصادم میان به اصطلاح قدرت مرکزی و قدرت های محلی را حل و فصل نکرد بلکه بیشتر از پیش آنها دامن زد. دو جنگ سالار مهم یعنی «دوستم» و «اسماعیل خان» و نیرو های تحت رهبری شان بطور آشکار از قدرت مرکزی دور مانده اند، «شورای نظار» از اوضاع ناراضی است و جنگ سالاران مختلف قبایل پشتون از بابت کنار گذاشته شدن شاه سابق ناراحت و ناراضی برگشته اند، سایر قدرتمندان محلی نیز کاملاً از وضع باضی نیستند.

انتقال مسولیت قوای به اصطلاح صلح از انگلیس ها به ترك ها خطر مورد حمایت قرار گرفتن مستقیم قوای تحت رهبری «دوستم» از سوی قوای ترك را دربر دارد و این بیشتر از پیش منازعات ملیتی و تصادمات میان قدرت مرکزی و قدرت محلی را دامن میزند.

تدویر «لویه جرگه اضطراری» باعث قطع برخورد های مسلحانه علیه قوای اشغالگر امپریالیستی و بوجود آمدن «امنیت» بیشتر نگردیده است. تلفات قوای اشغال گر امریکائی و متحدین شان بالا رفته است. شهر کابل در جریان کار «جرگه اضطراری» مورد حملات راکتی فرار گرفت که حتی از میان اعضای «جرگه» تلفاتی هم در بر داشت، اوضاع خوست آنچنان آشفته و پریشان است که شهر به حالت تعطیل در آمده و امور روزمره زندگی در آن فلج گردیده است.

در سمت شمال چورو چپاول اموال مردم و «موسسات خیریه» و اختطاف زنان و تجاوزات دسته جمعی بر آنان افزایش یافته است. اوضاع آنچنان در هم و بر هم است که اخضر ابراهمی «نماینده ملل متحد در افغانستان» و «موسسات خیریه» در مورد بی نظمی در سمت شمال اخطاریه های منتشر کرده اند. به همین سبب «موسسه خیریه» دفتر های شان را در سمت شمال بسته اند.

به اصطلاح دست آورد بزرگ «لویه جرگه اضطراری» تعیین مجدد حامد کرزی بعدوان رئیس دولت است. این تصویب باعث گردید که حامد کرزی لقب افتخاری «شاه شجاع سوم» را از شاه سابق بریاید و از آن خود بسازد. دیده شود که این شاه شجاع سوم، در فرجام به سرلشتر شاه شجاع اول مبتلا میگردد یا به سرلشتر شاه شجاع دوم و یا اینکه سرلشتر ویژه دیگری می یابد.

علاوه از هویت اسلامی «اداره انتقالی» که در «لویه جرگه اضطراری» که اتفاق آرا به تصویب رسید، روی دو موضوع دیگر نیز توافق نظر عمومی و تائید همگانی وجود داشت: یکی نظر تائیدی و روحیه موزه پاکی در مورد قدرت های

اشغالگر امپریالیستی و دیگر دفاع از منافع فیودال - کمپرادور ها و نادیجه گرفتن کامل منافع و خواست های توده های زحمتکش.

این توافق نظر عمومی از ذات و سرنوشت عام و خاص «لویه جرگه» بر میخیزد و یک جنبه و جزء جدائی ناپذیر از آن است. لویه جرگه ها در طول تاریخ افغانستان محل تجمع و تصمیم گیری طبقات استثمارگر بوده و توده های زحمتکش در آن سهمی نداشته و ندارند. علاوه ازین خصیلت عمومی، «لویه جرگه اضطراری» از خصیصیت ویژه برخوردار بوده است. این «پروژه» بخش مهمی از کار شکل دهی یک رژیم دست نشانده توسط تجاوزگران و اشغالگران امپریالیست امریکائی و سایر امپریالیست ها است و به همین اعتبار نمی توانست تأیید کننده عام و تام قوای اشغالگر نباشد. برخلاف گفته های سخن گویان رژیم دست نشانده و برخلاف لاف و کزاف فریب کارانه امپریالیست ها، «لویه جرگه اضطراری» قدم در راه تأمین استقلال افغانستان و آزادی ملی مردمان کشور نهوده است، بلکه این «لویه جرگه» گام شومی در جهت تحکیم اشغال کشور توسط امپریالیست ها و پیشبرد کارزار تجاوزگرانه آنها علیه خلق های افغانستان و جهان بوده است.

اما امپریالیست ها و مرتجعین هر سنگ را که بلند می کنند. روی پای خودشان می افتند. پروژه «لویه جرگه اضطراری» بیشتر از آن که موفقیت و کامیابی برای امپریالیست های متجاوز و مزدوران دست نشانده شان به بار بیاورد ناکامی ها و عدم موفقیت های شان را روی صحنه آورد. این ناکامی های بالقوه و بالفعل امپریالیست ها و مزدوران بومی شان شرایط و زمینه های مبارزه علیه متجاوزین و اشغالگران بر محور منافع و خواسته های توده ای زحمتکش، بطور عمده دهقانان و در راس کارگران را بیشتر از پیش مساعد ساخته است.

تشدید مبارزه علیه متجاوزین و اشغالگران و مزدوران دست نشانده بومی آنها نه تنها یک وظیفه مبارزاتی بلکه یک وظیفه مبارزاتی عاجل است.

ما مصممیم که با تمام قوت و توانمان در این مسیر پر افتخار گام برداریم و در این راه از هیچ کوشش و تلاشی برای سازماندهی و بسیج توده های میلیولوی زحمتکش افغانستان در راه جنگ مقاومت انقلابی تحت رهبری پرولتاریا علیه اشغالگران امپریالیست به سرکردگی امپریالیزم جهان خوار امریکا و دارودسته ارتجاعی دست نشانده آن دریغ نه ورزیم، آنرا بمتابه جنگ خلق تا پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین گذار به سوسیالیزم با پیش روی به سوی جهان کمونیستی ادامه

دهم

مرگ بر اشغالگران امپریالیست امریکائی و متحدین شان

مرگ بر دولت دست نشانده و مزدور امپریالیزم

به پیش در راه بر پالی و شگوفائی جنگ مقاومت مردمی و انقلابی

زلده باد توده ها - زلده باد انقلاب

« حزب کمونیست افغانستان - کمیته وحدت جنبش کمونیستی م - ل - م - اتحاد انقلابی کارگران افغانستان »

اول سرطان ۱۳۸۱ مطابق ۲۰۰۲ - ۶ - ۲۲